

کلام خدا به عنوان ابزار فیض

رابرت وِن دُودارد

ما گاهی از ورزشکاران، هنرمندان یا نویسندگان با استعدادی می‌شنویم که در دوره‌ای از زندگی دست کم گرفته شده‌اند. با وجود توانایی‌هایشان، کارشان نادیده گرفته شده و حقشان به آنها داده نشده است. محبوبیت و موفقیت افراد کم استعداد ما را گیج می‌کند و ما متعجبیم که چرا فرهنگ ما اینقدر بر سطحی‌نگری و سلبریتی‌های پوچ متمرکز شده است. با این حال، ما باید در نظر داشته باشیم که الگوی بسیار نامعقول‌تری در این جهان وجود دارد و به چیزی بسیار مهم بی‌توجهی شده است؛ کلام خدا دست کم گرفته شده است. به عنوان مسیحیان، ما باید بر گنجینه‌ی کلام خدا محکم بایستیم، ابزار اصلی، که خداوند برای ایجاد و بنای کلیسای خود از آن استفاده می‌کند.

ما باید اقتدار کلام خدا را در یاد داشته باشیم. تمامی خلقت به قدرت کلام خداوند آفریده شد (مزمور ۳۳: ۶؛ یوحنا ۱: ۳). حالا هم این کلام مقتدر خداوند است که همه چیز را حفظ می‌کند (عبرانیان ۱: ۳). در حالی که برجسته‌ترین انسان‌ها و بهترین اعمال آنها از روی زمین محو و ناپدید می‌شوند، کلام خدای ما برای همیشه پابرجاست (اشعیا ۴۰: ۸). در حالی که ما برای تأثیرگذاری بر قلب و ذهن افراد تلاش می‌کنیم، "کلام خدا زنده و مقتدر و برنده‌تر است از هر شمشیر دو دم و فرو رونده تا جدا کند نفس و روح و مفاصل و مغز را و ممیز افکار و نیت‌های قلب است" (عبرانیان ۴: ۱۲). کلام خدا در احیای ایمانداران نقش بسزایی دارد، "از آنرو که تولد تازه یافتید نه از تخم فانی بلکه از غیرفانی یعنی به کلام خدا که زنده و تا ابدالآباد باقی است" (اول پطرس ۱: ۲۳).

همچنین باید به خاطر داشته باشیم که کلام زنده‌ی خدا در خود توانایی رشد و گسترش را دارد. در کتاب اعمال رسولان، روایتی شنیدنی از رشد کلام خدا را می‌خوانیم. رسولان بر دعا و خدمت کلام متمرکز بوده و اهمیت این موضوع را به عنوان محور خدمت خود درک کرده بودند (اعمال رسولان ۶: ۱-۴). در نتیجه، صحنه‌های باشکوهی از رشد کلیسا در اعمال رسولان وجود دارد که هزاران نفر به کلیسا اضافه شده‌اند. در سراسر کتاب اعمال رسولان روایاتی از گسترش، رشد، تکثیر، و غالب آمدن کلام خداوند وجود دارد (اعمال رسولان ۶: ۷؛ ۱۲: ۲۴؛ ۱۳: ۴۹؛ ۱۹: ۲۰). اگر به عقب برگردید و کتاب اعمال رسولان را بررسی کنید، به همان اندازه که این کتاب در مورد رشد کلیسا صحبت می‌کند، به رشد کلام نیز می‌پردازد. به جای تمرکز بر رشد کلیسا که نتیجه‌ی پیشروی کلام خدا بوده، باید خداوند را برای رشد حقیقی کلامش ستایش کنیم.

همچنان که به شهادت کلام خدا در مورد این موضوع نگاه می‌کنیم، باید به جایگاه مرکزی کلام خدا در کلیسا معترف بوده و این حقیقت را همواره در خاطر حفظ کنیم. همانطور که پرسش و پاسخ موجز وست‌مینستر در سوال ۸۹ تعلیم داده و می‌گوید:

روح خدا، خواندن، و به‌طور خاص موعظه‌ی کلام را برای متقاعد کردن و تبدیل گناهکاران، بنای آنها در تقدس و آرامش الهی، از طریق ایمان و به جهت نجات ابزاری مؤثر می‌سازد.

وقتی در این پرسش از خواندن و موعظه‌ی کلام خدا به عنوان یک "ابزار" صحبت می‌کند، کلام خدا را به عنوان وسیله یا سبب معرفی می‌کند. این به یک معنا مانند استفاده از یک برنامه‌ی درسی خاص به عنوان وسیله‌ای برای تغییر ذهن دانش‌آموزان یا فرآیند خاصی برای ساختن چیزی از یک تکه چوب است. واقعیت این است که حتی زمانی که کتاب مقدس توسط انسان‌ها چاپ و تکثیر می‌شود و توسط واعظین موعظه می‌شود، این خداوند است که از کلام خود به عنوان ابزاری برای عمل کردن در ما استفاده می‌کند. پولس رسول به

تسالونیکیان چنین تعلیم می‌دهد: "و از این جهت ما نیز دائماً خدا را شکر می‌کنیم که چون کلام خدا را که از ما شنیده بودید یافتید، آن را کلام انسانی نپذیرفتید، بلکه چنانکه فی‌الحقیقه است، کلام خدا که در شما که ایماندار هستید عمل می‌کند." (اول تسالونیکیان ۲: ۱۳).

وقتی صحبت از استفاده از کلام خدا می‌شود، مسئولیت اصلی کلیسا این است که از موعظه‌ی وفادارانه، با دقت، اصولی و دقیق کلام خدا اطمینان حاصل کند، و اعتماد داشته باشد که خداوند از آن استفاده خواهد کرد. خود پسر— خدا به عنوان واعظ انجیل آمد (لوقا ۴: ۱۸). رسولان او عمدتاً برای موعظه‌ی کلام فرستاده شدند. مردانی مانند تیموتائوس و تیتوس فراخوانده شدند تا با اقتدار بر موعظه و تعلیم تمرکز کنند (اول تیموتائوس ۴: ۱۳-۱۴؛ تیتوس ۲: ۱۳). بدون واعظینی که برای اعلام انجیل فرستاده می‌شوند یک کمبود اساسی احساس خواهد شد، زیرا "ایمان از شنیدن است و شنیدن از کلام خدا" (رومیان ۱۰: ۱۴-۱۷). در تیتوس ۱: ۳، پولس تعلیم می‌دهد که خدا "کلام خود را ظاهر کرد به موعظه‌ای که برحسب حکم نجات‌دهنده‌ی ما خدا به من سپرده شد"، این بدان معناست که خدا کلام خود را از طریق موعظه "آشکار" یا "اعلام" می‌کند و آنچه به‌طور طبیعی برای انسان یک راز بوده آشکار می‌نماید.

وقتی این مفاهیم را کنار هم می‌گذاریم، باید بپذیریم که این امری عادی نیست که بتوانیم حقیقت گناه را درک کنیم یا به مسیح ایمان بیاوریم یا جز به وسیله‌ی موعظه‌ی کلام، وسعت یا عمق کتاب مقدس را درک کنیم. همانطور که والدین کوشا در درجه‌ی اول شخصیت کودکان را از طریق کلمات خود شکل داده و می‌سازند، خداوند نیز معمولاً فرزندان خود را از طریق موعظه‌ی کلام خود خوانده و بنا می‌کند.

یکی از برکات عالی بودن تحت موعظه‌ی وفادارانه‌ی کتاب مقدس این است که ما را در معرض حقایق، توبیخ‌ها و تشویق‌های غیرمنتظره قرار می‌دهد. اگر به خود و تفکراتمان وا گذاشته شویم، در نهایت تمایل داریم که

تعالیمی طبق علائق خود داشته و زندگی را بر اساس ترجیحات خود زندگی پیش ببریم. در برخی موارد، این می‌تواند منجر به سوء استفاده از بخش‌های منتخب کتاب مقدس شود. بودن تحت موعظت تشریحی و منظم، که کل کتاب مقدس را در طول زمان پوشش داده و موضوعات مختلف را از عهد قدیم و جدید برای ما روشن می‌سازند، به ایمانداران یک تغذیه‌ی روحانی سالم می‌دهد. داشتن واعظی که نیازها و دغدغه‌های یک جماعت را می‌داند، منجر به راهنمایی‌هایی می‌شود که ممکن است چالش برانگیز باشد، اما در نهایت روح ما را احیا می‌کند و ما را به “راه‌های عدالت” هدایت می‌نماید (مزمور ۲۳). پانزده بار در عهد جدید به ما گفته شده است: “آنکه که گوش‌هایی برای شنیدن دارد، بشنود.”

همچنین، کتاب مقدس به عنوان ابزاری از فیض خداوند برای استفاده‌ی شخصی هریک از ما باعث برکت است. نیاز به موعظه به معنای بی‌اثر بودن مطالعه‌ی شخصی کتاب مقدس برای ایمانداران نیست. مزمور نویس صبح زود از خواب بیدار می‌شد تا دعا کند و کلام را بخواند (مزمور ۱۱۹: ۱۴۷-۱۴۸). اهالی “نجیب” بیریه هر روز کتاب مقدس را جستجو می‌کردند (اعمال رسولان ۱۷: ۱۱). خواندن دقیق و مجدانه شما را مجهز می‌کند تا با بصیرت به موعظه گوش دهید. یک تغذیه‌ی ثابت و مداوم از مطالعه‌ی شخصی کتاب مقدس شما را رشد می‌دهد و “برای هر عمل نیکو” مجهز می‌سازد (دوم تیموتائوس ۳: ۱۷). همچنین، همواره شما را اصلاح و تنبیه می‌کند (آیه ۱۶)، هرچند ممکن است سخت باشد اما لازم است. این موضوع نیاز همیشگی ما به مسیح را یادآور می‌شود، شما را “به جهت نجات حکمت می‌آموزد”، و زیربنایی استوار به تعالیم و زندگی مسیحی شما می‌دهد (آیات ۱۵-۱۶).

وقتی کتاب مقدس را می‌خوانید یا به موعظه‌ای وفادارانه گوش می‌دهید، اتفاقی فراتر از انتقال صرف دانش و تعالیم رخ می‌دهد. کلام خدا بیش از مرکب و کاغذ است و موعظه صرفاً سخنرانی نیست. کلام خدا زنده است، زیرا خداوند از طریق آن به‌طور مؤثر توسط روح قدوس خود عمل می‌کند. تصاویر زیادی از این موضوع در

کتاب مقدس وجود دارد: خداوند از طریق کلام خود دانه‌های بی‌فاسد را می‌کارد (اول پطرس ۱: ۲۳)، توبه و ایمان را به ارمغان می‌آورد (رومیان ۱۰)، روح ما را با نان حیات تغذیه می‌کند (متی ۴: ۴؛ یوحنا ۶: ۳۵)، چشمه‌ای از آب زنده در قلب ما ایجاد می‌کند (یوحنا ۷: ۳۸)، و کلیسای خود را طاهر می‌سازد (افسیسیان ۵: ۲۶). ماندن کلام در ما به معنای اتحاد با مسیح و زندگی مطابق اراده‌ی اوست، تا همواره بدانیم چگونه آنچه برحسب اراده‌ی نیکو و مقدس اوست را طالب باشیم (یوحنا ۷: ۱۵۱۵: ۷). این بدان معناست که کلام خدا هدیه‌ای بی‌نظیر، ارزشمند و مقتدر از جانب خداوند است، زیرا او از طریق آن عمل می‌کند. توسط کلام خدا ما با مسیح روبرو شده و در این ملاقات با او ارتباط برقرار می‌کنیم.

در نهایت، تغییر ناپذیری کلام خدا برای مسیحیان یک امید پایدار است. ما در جهانی زندگی می‌کنیم که در آن تغییر به خودی خود به عنوان فضیلت تلقی می‌شود، از جمله بسیاری از تغییرات نابخردانه در اخلاق، رفتار و سبک زندگی. ایده‌های مختلف در پی‌هم می‌آیند و تغییر می‌کنند، اما کلیسا به همان کلامی معترف است که مقدسین طی قرن‌های گذشته به آن باور داشته‌اند؛ و این باید موضوعی برای شکرگزاری ما از خداوند باشد. کلام خدا اهمیت یا قدرت خود را به عنوان ابزار فیض از دست نداده است و به رشد و گسترش خود در بسیاری از نقاط جهان ادامه می‌دهد. "گیاه خشک شد و گل پژمرده گردید، لیکن کلام خدای ما تا ابدالآباد استوار خواهد ماند." (اشعیا ۴۰: ۸)

کشیش رابرت ون دُودارد، کشیش کلیسای هوپ ریفورمد در پواسان، آنتاریو می‌باشد.

این مقاله در مجله [تیبیل تاک](#) منتشر شده است.